

جغرافیای تاریخی سیستان

«قبل از اسلام»

دکتر حسن بیک محمدی
دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

چکیده

مشرق زمین زادگاه تمدن است و سیستان یکی از کانونهای فرهنگ و تمدن جنوب غرب آسیاست. سیستان همچنین سرزمین وزادگاه حماسه‌های ملی، فرهنگی و اجتماعی تاریخ باستان کشور ایران است. دشت سیستان در محدوده شرق ایران به علت موقعیت خاص جغرافیایی در مصب و دلنای رودخانه هیرمند و شعبات آن و بهره‌گیری از منابع آبی و آبرفتی حاصلخیز آن در سایه فعالیتهای کشاورزی و کساکردهای فرهنگی بنیان‌گذاری از تمدنهای کهن در عهد باستان است.

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسان در هزاره‌های قبل از میلاد یکی از قدیم‌ترین شیوه‌های شهرنشینی و مدنیت در شهر سوخته سیستان شکل گرفته و قدمت آن حتی قدیمی‌تر از تمدن سومر بوده است. سرزمین سیستان به برکت موقعیت جغرافیایی خود از سبب عدم تاریخ از چنان‌شای اقتصادی برخوردار بوده است که در طی قریب به ۲۰۰۰ سال غله آسیا مشهور بوده است.

در این مقاله که به شیوه روشهای تحقیق اسنادی و تحلیلی تهیه شده، پژوهنده سعی کرده است تا طی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک تاریخی و جغرافیایی چهره واقعی جغرافیای تاریخی سیستان مشخص شده، قدمت، موقعیت، جایگاه و نقش اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی آن را در میان مراکز تمدنی جنوب شرقی آسیا مشخص نماید.

مقدمه

ناحیه سیستان به عنوان یک واحد جغرافیایی در محدوده شرق ایران و در شمال بلوچستان قرار گرفته و به صورت دشتی است با ۱۵ هزار کیلومتر مربع که از شرق و شمال با افغانستان همسایه است. سیستان در شرایط فعلی دارای دو مرکز شهری (زابل و زهک) پنج بخش، هفده دهستان و ۹۳۶ روستای دارای سکنه است (آمارنامه استان س و ب ۱۳۷۷) جمعیت کل سیستان بر اساس آخرین سرشماری کشور حدود ۳۳۵ هزار نفر است که ۳۲ درصد آن شهری و بقیه روستایی است.

دشت سیستان در جنوب شرقی ایران و در مصب رودخانه هیرمند واقع شده و از آبرفتی آن بوجود آمده است. موقعیت جغرافیایی، ارتفاع منطقه (حدود ۵۰۰ متر) نوع بافت خاک و حاصلخیزی آن، شرایط توپوگرافی، پوشش گیاهی و از همه مهتمتر دسترسی به شبکه آبی هیرمند از عوامل مهمی هستند که از دیر زمان در شکل‌گیری اولین هسته‌های روستایی و سکونتگاههای انسانی در منطقه نقش عمده‌ای داشته‌اند.

به عبارت دیگر می‌توان گفت رودخانه هیرمند پس از عبور از کوه‌های بابایغما در افغانستان و طی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر این منطقه را سیراب کرده و با منابع آبی فراوان و شیرین و رسوب میلیونها تن خاک آبرفتی و حاصلخیز در طول تاریخ جریان خود بستر مناسبی را برای شکل‌گیری فعالیتهای کشاورزی و تمدنی کهن فراهم کرده است. تاحدی که می‌توان گفت تمدن کهن سیستان زاده رودخانه هیرمند و آبرفتی حاصلخیز آن است، همانگونه که تمدن مصر هدیه نیل بوده و هند دختر گنگ لقب گرفته است.

در پست‌ترین نقطه سیستان چند دریاچه آب شیرین وجود دارد که بزرگترین آنها دریاچه هامون در نزدیکی مرز ایران و افغانستان است. مردم این سرزمین هر چند در گذشته دور از بسیاری از نعمتهای طبیعی بهره‌ای نداشتند ولی از نعمت خاک خوب و حاصلخیز و رود بزرگ و پربرکت هیرمند برخوردار بودند، اکنون شرایط خاک سیستان تفاوت چندانی نکرده ولی نوسانات سالیانه آب هیرمند به صورت طغیان و یا خشکسالی و حرکت ماسه‌های روان از مشکلات بزرگ اقتصادی این ناحیه است، بطوری که سیستانی‌ها خود اعتقاد دارند که آبادی این منطقه مشروط به بستن سه بندآب، ریگ و مفسدان است. (افشارسیستانی ۱۳۶۳ ص ۸۸) این حوقل جغرافیدان بزرگ اسلامی در مورد سرزمین سیستان می‌نویسد: «زمین سیستان شوره‌زار است و ریگ فراوان دارد و هوای آن گرم است و در این سرزمین بادهای سخت مداوم می‌رزد و ریگها را از جای به جای دیگر می‌برد و دیسه‌ها را نابود می‌کند، ضمناً بزرگترین رودهای سیستان



هیل مند (هیرمند) است که آبش شیرین است و از آن ماهی فراوان و نی بدست می آید. (ابن حوقل ۱۳۴۵ ص ۱۵۵)

وجه تسمیه سیستان

آنچه مسلم است سیستان قدیم بسیار وسیعتر از سیستان امروزی ایران بوده و از نواحی شمال و شرق تا حدود کابل و دنباله ارتفاعات سلیمان و هندوکش ادامه داشته است. این یک واقعیت تاریخی است که سیستان مهد تمدن و محل استقرار سکاها بوده است و این قوم از اقوام آریایی بوده اند که نسبت آنها به کهن ترین تیره آریایی می رسد و نام سیستان از سکستان (سجستان) یعنی سرزمین سکه ها گرفته شده است (ابراهیم زاده، ۱۳۷۴، ص ۷). سیستان به عنوان یکی از مراکز تمدن باستانی در شرق ایران، در ادوار گذشته و بر حسب موقعیتهای خاص تاریخی و حاکمیت اقوام و ملل مختلف بر آن، اسامی مختلفی داشته است که مهمترین آنها سکستان، سجستان، زرنگ، زابل، درنگیان، نیمروز و زاول بوده است. لفظ زرنگ قدیمی ترین نام سیستان و زاولستان است که در کتیبه های داریوش به نام "زرنگ" آمده است و کلمات زریه، زرنگ، دریه و زره همه به معنای دریا و آب فراوان است (بیک محمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۷). قبایل سکایی که از استپ های جنوبی سیریی و دریاچه آرال به سمت جنوب حرکت کرده بودند، ابتدا در سیستان سکنی گزیدند و این منطقه که تا آن زمان زرنگ یا درنگیان نامیده می شد با آمدن سکاها به اسم سکستان و بعدها سجستان و بالاخره سیستان تغییر نام داد.

سیستان یکی از کانونهای فرهنگ و تمدن بشری

مشرق زمین کاهواره تمدن است وجود مراکز باستانی و تمدنهای کهنی چون: مصر، اور، آشور، بابل، دماغان (میانرودان)، انزان یا انشان، سیالک، موهنجودارو، شوش، تل پیر، تپه حصار و تپه قبرستان، شهر سوخته و... نمونه هایی از مراکز تمدن آسیایی هستند که حدود ۵ هزار سال قبل از میلاد به گفته مارکس در کنار رودخانه ها و منابع آبی شکل گرفته اند. هر چند عوامل متعدد جغرافیایی از جمله درجه حرارت، خاک، آب و... در پیدایش و دوام مدنیت در این مناطق نقش داشته ولی از این میان نقش آب بیش از عوامل دیگر در پیدایش زندگی و پیشرفت آن تأثیر داشته است (ویل دورانت، ۱۳۷۲، ص ۳).

یکی از زادگاههای تمدنهای باستانی در خاورمیانه جنوب غربی آسیا و از جمله فلات ایران است. فلات ایران و مناطق اطراف آن به علت موقعیت و شرایط خاص جغرافیایی خود نسبت به مناطق اطراف از شرایط محیطی و اقلیمی نسبتاً بهتری برخوردار بوده و به عنوان بستر مناسب جغرافیایی از دیرباز مسکونی بوده و مورد توجه اقوام مختلف نیز قرار گرفته است. آثار بدست آمده از تحقیقات باستان شناسی در نقاط مختلف ایران از جمله سیالک کاشان، شوش خوزستان، تپه حسنلو در آذربایجان، تورنگ تپه در نزدیکی استرآباد گرگان، تپه گیان نهاوند، تنگ پیده در کوههای بختیاری واقع در شمال شرقی شوشتر، تپه قبرستان قزوی و بالاخره شهر سوخته

سیستان این موضوع را تأیید می کند (بیک محمدی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

سیستان واقع در شرق فلات ایران از مهمترین و قدیمی ترین تمدنهای بشری است. مردم این سرزمین با بهره گیری از امکانات و توانهای مناسب محیطی از جمله خاک حاصلخیز و رودخانه هیرمند و براساس کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی پویا و تداوم بخش خویش در این منطقه از سرزمین ما در ادوار بسیار کهن ما قبل تاریخ از جمله هزاره سوم قبل از میلاد تمدن عظیمی را خلق نموده اند که همزاد با دوران شکوفایی تمدن در آسیا بوده است.

پیدایش آثار باستان شناسی شهر سوخته همزمان با تمدن سومر بعنوان یکی از کهن ترین تمدنهای بشری تعجب بسیاری از صاحب نظران را برانگیخت. اما بعدها آثاری بدست آمد که وجود زندگی و تمدن در شهر سوخته را در ۲ تا ۴۰۰۰ سال قبل از سومر تأیید نمود و سابقه مدنیت آن را به هزاره دهم قبل از میلاد رسانید (توزی، ۱۳۷۴، ص ۹۸ تا ۱۰۲).

کشف چرخ کاری در این شهر نشان از مدنیتی پیشرفته و استفاده از آلات و ادوات پیشرفته دارد. همچنین وجود کارگاهها و کوره های تهیه سرامیک و سفال آن، کارکردهای اقتصادی و فرهنگی را تأیید می کند. لذا باستان شناسان معتقدند که شهر سوخته سیستان در بین ۴ هزار سال قبل از میلاد دارای رونق و شکوه زیادی بوده و یکی از مراکز بزرگ اقتصادی و فرهنگی مشرق زمین به حساب می آمده است (کیانی، ۱۳۶۵، ص ۶۹).

همچنین آثار آتشکده های بزرگ "دهانه غلامان" و معابد زرتشتی در سیستان بار دیگر اهمیت غنای فرهنگی و کارکردهای اجتماعی این منطقه را تأیید می کند.

سیستان زادگاه و سرزمین حماسه های ملی و فرهنگی و اجتماعی تاریخ ایران باستان ماست. سیستان سرزمین پادشاهان کیانی و از جمله گرشاسب و نوادش رستم است که نه تنها حکیم طوس بلکه ۴۰۰ سال قبل از شاهنامه در حماسه تاریخی فارسی میانه یعنی "کارنامه اردشیر بابکان" اورا "گر ذراولی" خوانده اند (باسورث، ۱۳۷۷، ص ۱۴).

قدمت مدنیت

براساس آخرین یافته های باستان شناسان کهن ترین شکل شهرنشینی و مدنیت در سیستان مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد (۳۲۰۰ پیش از میلاد) است. در این قسمت از فلات ایران یکی از قدیم ترین و کهن ترین شهرهای متمدن جهان وجود داشته که خرابه های آن امروز به نام "شهر سوخته" شناخته می شود که بر روی دلتای رامرود (یکی از دلتاهای سه گانه هیرمند) قرار داشته است (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۰). شهر دیگر سیستان رام شهرستان نام دارد که در همین ناحیه بوده است. بدیهی است نقش رودخانه هیرمند را در شکل گیری این مراکز تمدن بشری نمی توان از نظر دور داشت (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۱۵۴).

در عصر ماد و دوره هخامنشیان نیز سیستان آباد بوده و شهرهای کرکویه و دهانه غلامان بر روی دلتای پریان که در آن زمان یکی از شعب هیرمند بوده قرار داشته اند. همچنین "درنگیان" که احتمالاً همان محل خرابه های فعلی



عامل تجارت و بازرگانی مهمترین نقش را در شکل‌گیری روابط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میان تمدن‌ها برعهده داشته است. چنانکه بر اثر اکتشافات و مطالعاتی که در دهه‌های اخیر بر روی آثار بجای مانده در شهر سوخته بعمل آمده است معلوم گردیده که "سنگ لاجورد" که در حقیقت قیمتی‌ترین سنگ ماقبل تاریخ محسوب می‌شد، در آن زمان در افغانستان استخراج می‌شده و به "شهر سوخته" در سیستان حمل می‌گردیده و این شهر یکی از مراکز شکل دادن و کار روی سنگ لاجورد بوده است (توزی، ص ۱۰۴). زیرا محله‌هایی هم اکنون در شهر سوخته وجود دارد که هزاران قطعه از این سنگ در آنجا یافت می‌شود، بعلاوه چند کارگاه سالم و دست نخورده کار بر روی سنگ لاجورد نیز در این شهر بدست آمده است. همچنین آثار و ابزار کار در این کارگاهها نیز در شهر سوخته پیدا شده که از جمله آنها یک مته سنگی است که هنوز خورده‌های سنگ لاجورد روی آن باقیمانده است. علاوه بر این، یکی دیگر از اشیاء پیدا شده در شهر سوخته لاک و مهرهایی است که در انواع سربی و گلی در قسمت‌های مختلف شهر وجود داشته است، که قطعات رسی و گلی باقی مانده با اثر مهرها بر روی آنها، نشان می‌دهد که از آنها برای بستن درها و لاک و مهر کردن آنها استفاده می‌شده است. در عین حال وجود هزاران کوزه و ظرف سفالین و در مجموع وجود مواد ارگانیک و ابزار تولیدی محصولات فراوان تولید شده در این شهر نشان دهنده این واقعیت است که این قطعه محلی برای ساخت و توزیع بوده است. این مسئله در مورد مواد وارداتی به آنجا همچون لاجورد، فیروزه، صدف به همان اندازه صادق است که در مورد مواد محلی همچون مس، دیوریت، سنگ مرمر، سفال و غیره. لذا وجود این تمدن در بین دو مرکز تمدنی بسیار پیشرفته هزاره سوم قبل از میلاد، یعنی تمدن بین‌النهرین و دولت ایلامی و سومری "در مغرب و تمدن" هندهای رابا و دره سند" در شرق، موقعیت جغرافیایی آن ایجاب می‌کرده با سایر فرهنگها و تمدن‌ها، خصوصاً فرهنگهای آسیایی در شرق و غرب آسیا ارتباط داشته باشد، که بیشتر این ارتباطات از طریق روابط تجاری و مبادلات کالا و مواد اولیه انجام می‌گرفته است. بعدها در دوره سلوکی صنعت و تجارت بر اثر بهبود راههای تجاری که از دریای سرخ تا هندوستان توسعه یافت، چنانکه بر اثر بهبود راههای تجاری که از دریای سرخ تا هندوستان توسعه یافت و بعدها موسوم به جاده ابریشم گردید، گسترش نسبتاً چشمگیری یافت و سیستان که بر سر یکی از شاخه‌های این شاهراه بزرگ تجاری، بازرگانی قرار گرفته بود، از موقعیت ممتازی برخوردار بود و با توجه به سوابق فرهنگی و تجاری که از دوره‌های قبل از تاریخ داشت، در این دوره نیز بسیار شکوفا گردید. چنانکه در زمان "کوروش" به لحاظ کمک‌هایی که به دولت هخامنشی می‌کرد این ولایت از جانب وی لقب "آگریاسپ" به معنی یاری کننده گرفت. که این امر ناشی از شکوفایی اقتصادی است که به سبب تجارت و بازرگانی با سایر نواحی بدان نایل آمده بود (آذرنیوشه، ص ۱۹۳).

در زمان اشکانی و ساسانیان نیز سیستان همچنان از موقعیت برتر جغرافیایی خویش در توسعه و تداوم تجارت با بازرگانی با نواحی اطراف سود می‌برد، بطوری که در زمان سکاها شهر کاخ کوه خواجه بعنوان یکی از

شهر "دهانه غلامان" بوده و یکی از ساتراپ‌های مهم شرقی هخامنشیان به شمار رفته است (هرودت، ۱۳۵۰، ص ۲۵۰). شهر کرکویه نیز در این دوره دارای آتشکده‌های بوده که تاریخ سیستان از آن به نام "آتشکده کرکویه" نام برده است (تاریخ سیستان، ص ۳۷).

در عصر اشکانی (پارت) شهر کاخ در کوه خواجه اهمیت نظامی داشته و دارای قلاع و حصار بوده است (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۶۸). در عصر ساسانی خودمختاری شهرهای عصر سلوکی استقلال خود را از دست داد و شهرهای سیستان تحت تأثیر ساختار اجتماعی و سیاسی زمان خود دارای سه بخش مجزای ارک، شارستان و ریض گردید که هر کدام کارکردهای خاص خود را داشت.

ابن حوقل در عصر اسلامی از زرنج بازدید کرده و درباره حصن، قلاع، ریض و دارالاماره صفاریان این شهر مطالبی نوشته است (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۱۵۱ تا ۱۵۵). اصطخری نیز در مورد اهمیت شهر زرنج و شارستان و ریض و خنتقد و دیوار دور شارستان و ریض سخن گفته است (اصطخری، ۱۳۴۰، ص ۱۹۳). در عصر اسلامی سیستان در سال ۳۱ هجری توسط اعراب فتح گردید (بیک محمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴) و شهرهای آباد این سرزمین یعنی کرکویه، بست، زرنگ (مرکز حکومت سیستان بود) خواش، ناشروود... یکی پس از دیگری بدست اعراب سقوط کرد (تاریخ سیستان، ص ۸۱).

ابن حوقل جغرافیدان بزرگ اسلامی در عصر شکوفایی تمدن اسلامی از زرنگ با زرنج بازدید کرده و درباره آن چنین می‌نویسد: "بزرگترین شهر سیستان زرنج است که شهری است دارای حصن و ریض با بناهای بزرگ و پرجمعیت و دارالاماره صفاریان، بازارهای داخل شهر در پیتامون مسجد جامع قرار دارد و بسیار آباد است (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۱۵۱). البته باید توجه داشت که در دوره اسلامی زرنج یا زرنگ نام مرکز ولایت سیستان بوده است که گاهی آن را مدینه سیستان (سجستان) نیز نامیده‌اند.

مقدسی که سرزمینهای اسلامی را به چهارده اقلیم و هر اقلیم را به چند خوره و هر خوره را به چند قصبه و هر قصبه را به چند مدینه و هر مدینه را به چند قریه تقسیم کرده است. در مورد اهمیت سیستان می‌گوید "سیستان خورهای است آباد با آبادیهای پیوسته و خانه‌های پراکنده، شهرهای اندک با کاخهای بسیار که قصبه آن زرنج و دیگر مدینه‌هایش جوین، فره، قرین، باب الطعام و ناشروود است." او سیستان را از نظر آبادی به یک صفحه نقاشی شده تشبیه کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۴۴۶).

مبادلات بازرگانی

می‌دانیم که تجارت و بازرگانی مهمترین عامل در گسترش و ارتباط تمدن‌ها در طول تاریخ بشمار می‌رفته است. در سیستان از گذشته‌های بسیار دور شاهد شکل‌گیری تمدنی دیرپا و کهن می‌باشیم. این تمدن که مظهر آن "شهر سوخته" در سیستان می‌باشد، همزاد و همبای کهن‌ترین تمدنهای بشری در ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد شکل گرفته و توسعه یافته است. این امر نشان دهنده ارتباط و هماهنگی است که میان این تمدن‌ها بوجود آمده بود.

مراکز مهم اشکانی در جنوب شرقی ایران از رونق زیادی برخوردار بود و در زمان ساسانی نیز با توجه به فراخی نعمت و توسعه اقتصادی آن، این منطقه به عنوان مقر ولایتمهدان ساسانی ایفای نقش نموده و شاهزادگان ساسانی با لقب "سکانشاه" دوره آمادگی برای به دست آوردن مقام پادشاهی ایران را در این سرزمین می‌گذراندند (کریستین سن، ۱۳۵۸، ص ۲۰۴).

نتیجه گیری

ناحیه سیستان واقع در شمال بلوچستان و کنار مرز افغانستان بعلت موقعیت خاص جغرافیایی و قرارگرفتن در مصب رودخانه هیرمند و دلتای شعبات آن از قدیم‌ترین زمان از خاکهای حاصلخیز و آب رودخانه هیرمند برخوردار بوده و این شرایط در طول تاریخ ضمن فراهم سازی بستری مناسب برای شکل‌گیری فعالیتهای کشاورزی تمدنی کهن را در منطقه بوجود آورده است. سرزمین سیستان به علت موقعیت خاص جغرافیایی از سینه دم تاریخ از چنان غنای اقتصادی برخوردار بوده است که در طی قرن‌ها به "انبار غله آسیا" مشهور بوده و توانسته است آثار تمدن و مدنیت را بر سینه خود نقش بندد (پورداوود، ص ۲۹).

تحقیقات باستان‌شناسی حاکی است که شهر سوخته واقع در غرب سیستان در هزاره چهارم قبل از میلاد در اوج توانگری اقتصادی خود بوده و علاوه بر فعالیتهای کشاورزی و دامپروری، دارای صنعت و تجارت بسیار پیشرفته بوده است و به عنوان حلقه اتصال و نقطه پیوند تمدنهای سند و ماوراءالنهر با مصر و بین‌النهرین محسوب می‌شده است (کیانی، ۱۳۶۵، ص ۷۶).

تحقیقات باستان‌شناسی همچنین نشان می‌دهد که شیوه‌های سنگهای نیمه قیمتی وارداتی چون سنگ لاجورد و فیروزه و فرآورده‌های دریایی مانند صدف در شهر سوخته نشانگر این حقیقت است که این شهر در دوران مفرغ، دارای یک نظام مبادلاتی سازمان یافته با سرزمینهای دور و نزدیک خود بوده است (بیک محمدی، ۱۳۸۱، ص ۶۳).

چنانچه در نظر بگیریم که منشأ اصلی سنگ لاجورد از بدخشان، فیروزه از قزل قوم در شمال ایران و صدف از سواحل مکران بوده می‌توان گفت که تجارت خارجی و مبادلات بازرگانی سیستان با نواحی بیرون از محدوده جغرافیایی دلتای سیستان در شعاعی به طول ۲۵۰ کیلومتر از شهر سوخته انجام می‌گرفته است (مجیدزاده، ۱۳۶۸، ص ۱۶۳).

براساس تحقیقات باستان‌شناسی و تأیید این موضوع که شهرهای دهان غلامان و شهرکاخ کوه خواجه از شهرهای مهم و مراکز معتبر اقتصادی و فرهنگی دوره هخامنشی و اشکانی بوده، شکی باقی نمانده است که در دوره قبل از اسلام سسکتان، این یازدهمین سرزمین نیک‌هورامزدا بسیار آبادان و شکوهمند بوده و فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی آن بسیار پررونق بوده است (هرتسفلد، ۱۳۶۲، ص ۱۴).

منابع

۱- ابراهیم زاده، عیسی، سیستان در گذر زمان، مجله علمی پژوهشی دانشگاه سیستان و

بلوچستان، سال اول، شماره (۱)، زمستان، ۱۳۷۴.

۲- ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۵.

۳- احمدی، حسن، جغرافیای تاریخی سیستان (سفرها و سفرنامه‌ها)، انتشار مؤلف، تهران، ۱۳۷۸.

۴- آذرنیوشه، عباس علی، جغرافیای تاریخی سیستان، پایان‌نامه دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۵- اصفه‌خوری، ابراهیم، المسالك والممالک، به‌کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۰.

۶- افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به سیستان و بلوچستان، انتشارات امین خضرائی، ۱۳۶۳.

۷- باسورت، اک، تاریخ سیستان، ترجمه حسین انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.

۸- بیک محمدی، حسن، جغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۹- تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعرای بهار.

۱۰- توژی، آ، آنسوی سفالهای سوخته، مجله کتاب نخل، ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۷۴.

۱۱- سلطان زاده، حسین، مقدمه‌ای بر شهر و شهرنشینی در ایران، نشر آبی، تهران، ۱۳۶۵.

۱۲- کریستین سن، آرتور، تاریخ ایران و عرهبادهای زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸.

۱۳- کیانی، محمدیوسف، نظری‌اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، انتشارات ارشاد، تهران، ۱۳۶۵.

۱۴- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱.

۱۵- موسوی، سید محمود، یادمان خشتی کوه خواجه، کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، جلد چهارم، تهران، ۱۳۴۰.

۱۶- ویل دورانت، تاریخ تمدن، مشرق زمین، گاهواره تمدن مترجمان احمد آرام، امیرحسین آریان پور، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۲.

۱۷- هرتسفلد، به نقل از نشریه هامون ناعمان، انتشارات میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان، زاهدان، ۱۳۶۲.

۱۸- هرودت، تاریخ هرودت، ترجمه وحیدمازندرانی، بنگاه نشر و ترجمه کتاب تهران، ۱۳۷۰.